



دانشگاه آزاد

معدنی و شهرستان نهرخلج

(بخش زنده رود)

استاد راهنما: جناب و کتر نورانی

محقق: لیلا قربانی

بهار ۹۴





IMNA NEWS AGENCY

Photo : Received

وضعیت جغرافیایی

روستای نهرخلج در ۲۱۰ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی از نصف النهار مبدأ و در ۵۸ درجه عرض جغرافیایی و با ارتفاع ۲۳۹۸ متر از سطح دریا می باشد.

موقعیت محلی

این روستا در شمال غربی شهرستان فریدن واقع شده است که از شمال به روستای گنجه، از جنوب به روستاهای درختک و سفتجان، از شرق به شهر داران و از غرب به روستای حصور و ازونبلاغ محدود می شود.

ناهواری ها

روستای نهرخلج مرکز دهستان ورزق شمالی شامل بخش های متعدد کوهستانی و جلگه ای می باشد. چنانکه دامنه های شرقی کوهستان یالانچی و چاله های محصور آن در جنوب و دامنه های جنوب کوههای دیگه را دربرمی گیرد.

جلگه ها

قسمت عمده روستای نهرخلج دشت وسیعی است که از آبرفت های رودخانه هایی که از ارتفاعات روستاهای بالا دست یا از کوه های این روستا سرچشمه می گرفته است در زمانهای گذشته بوجود آمده.

آب و هوا

آب و هوای روستای نهرخلج با توجه به عواملی چون ارتفاع، وجود و جهت پستی و بلندی ها، نزدیکی به منطقه کوهستانی و وزش بادهای شمالی نیمه مرطوب سرد است.

رودخانه ها

رودخانه مهم این روستا که به زبان محلی «چای» نام دارد، از ارتفاعات روستاهای بالادست، همچون گنجه و بادجان که در مبدأ به ارتفاعات خوانسار محدود می شود، سرچشمه می گرفته و پس از گذر از این روستاها و پیوستن به رود دیگر در پائین دست، به سد زاینده رود منتهی می شد که البته این رودخانه چند سالی هست که به دلیل بارندگی های کم کاملاً خشک شده، در کنار این رودخانه یک چشمه هم وجود داشت که آن هم متأسفانه کاملاً خشک شده است! همان طور که از نام روستا مشخص است، نهرهای زیادی از این روستا عبور می کرده است که به واسطه این نهرها روستای نهرخلج دارای طبیعت بسیار زیبایی بوده که وجود رودخانه و چشمه پر آب هم زیبایی آن را دوچندان می کرده است سرتاسر روستا پر بود از باغهای انگور که امروز از آنها فقط بیابان های خشک و بی آب و علف باقی مانده است!

تاریخ روستا

در مدارک تاریخی و پرس و جو از بزرگان، نام نهرخلج بدین صورت آمده است: عزیزآباد-دیگاه-عبدل آباد و قلعه هایی به نام معصوم قالا -قویت قالا-قلعه آدینه که جزء ولایت پرتیکان می باشد. پروفیسور هرتسلفد از پرتیکان که نهرخلج هم جزء آن است یاد کرده است.

تاریخ بنای این روستا به طور دقیق معلوم نیست اما پاره ای از مورخین با توجه به نام پرتیکان، بنای آن را به دوران هخامنشی نسبت داده اند. به علت سرسبز بودن آنجا نهری به نام یکی از شاهزادگان هخامنشی که خلج نام داشت در این محل احداث گردید که نام روستای نهرخلج منتسب به آن می باشد.

این اثر می گوید: با توجه به مرکز بودن اصفهان و تصرف توسط دولت اشکانی، سراسر استان اصفهان در تصرف آنها در بود و هنگامیکه به دست مسلمین فتح گردید یکی از نزدیکان عمر به نام عبدالله بن عقیان حاکم شد که از فریدن نیز دیدن کرد. این روستا با توجه به حمله افغانها و مغولان و خرابی آن، در طول تاریخ بار جابجا شده است که وجود سنگر های افغانها و مغولان در ارتفاعات اطراف نهرخلج دلیل و گواه بر این امر می باشد.

در فرهنگ جغرافیایی تاریخی و ادبی ایران نگاشته شده است که در زمان شاه عباس اول، ارامنه آذربایجان پس از اسارت به فریدن تبعید شدند. در قسمتی از معصوم قالا پس از حفاری اسکلت های انسانی پیدا شد که در قبرهای آنها وسایل و ابزارآلات وجود داشت و با توجه به چنین رسومات در بین ارامنه، احتمالاً این قبور متعلق به آنها می باشد.

وضع جغرافیایی و توپوگرافی روستای نهرخلج به گونه ای است که گسترش آن در تمام جهات امکان پذیر می باشد. شیب ملایمی که از شمال شروع شده و در جهت جنوب غرب و شرق ادامه دارد تنها عامل ایجاد نهرهایی است که از قسمت شمال و مرکز روستا از قنات ها سرچشمه می گرفتند و در امتداد این شیب جریان داشتند. این امر عاملی برای گسترش روستا در ادوار مختلف به سمت این نهرها بوده است. ولی امروزه به دلیل وجود جاده ارتباطی اصفهان به طرف خوزستان در قسمت جنوب گسترش روستا به اطراف این جاده کشیده شده و محلات قدیمی تخریب گردیده و هیچ ساخت و سازی صورت نمی گیرد. (وصال سرخ، ۱۳۸۹، ۲۰)

وضعیت فعلی روستا

زبان اصلی اهالی روستا ترکی می باشد و شغل اصلی آنها کشاورزی و دامداری است. همچنین قابل ذکر است امروزه به دلیل پیشرفت در زمینه های مختلف و ماشینی شدن زندگی ها، این روستا هم بی بهره نمانده و پیشرفتهای زیادی در طی سالهای اخیر داشته است از جمله این که از امکاناتی نظیر برق، تلفن و گاز سالهای زیادیست که بهر مند می باشد این روستا دارای مدرسه، خانه بهداشت، پست بانک، کتابخانه عمومی، شرکت تعاونی و... می باشد. این روستا از نظر نمای ساختمانی کاملاً متحول شده و دیگر خانه هایی با خشت و گل به ندرت در این روستا دیده می شود.

قلعه روستایی

در بیشتر روستاهای فریدن علاوه بر خانه های روستایی گاهی چندین قلعه جلب نظر می کنند و کلیه این قلعه ها به طور اشتراکی ساخته شده اند و ساکنین این قلعه ها معمولاً با همدیگر نسبت خانوادگی داشته و از یک طایفه می باشند. اگر دقت کنیم متوجه میشویم که مجتمع های مسکونی امروزی الگو گرفته شده از قلعه های قدیمی می باشند..

چنانچه در معماری این قلعه ها دقت شود دیوارهای گلی بلند و قطور با پی سنگی را ملاحظه می کنیم که ساختمان های درون قلعه را احاطه کرده و در هر یک از چهار گوشه، این دیوار یک برج را ملاحظه می کنیم که جهت دیده بانی و دفاع از قلعه ساخته شده اند. همچنین این قلعه ها دارای یک دروازه بزرگ و مستحکم است که معمولاً از چوب گردو ساخته شده است.

من شما را به یکی از قلعه های روستای نهرخلج فریدن به نام قلعه بالا می برم این قلعه فعلاً رو به ویرانی است. (البته به گمانم اکنون کاملاً ویران شده است!) اگر از ۵۰ متری قلعه از طرف دروازه به آن نگاه کنیم دروازه قلعه، دیوارهای قلعه و یک بالاخانه ۴ اتاقه و یک مهتابی جلب نظر می کند مهتابی فاقد سقف است. جلوتر آمده و بعد از عبور از دروازه قلعه وارد محلی می شویم با نام هشتی (یک مکان ۸ ضلعی) که در اطراف محوطه ۸ ضلعی چندین سکو برای نشستن وجود دارد. کسانی که با ساکنین قلعه نسبت فامیلی ندارند و با یکی از قلعه نشینان کار دارند پس از صدا زدن مخاطب در داخل هشتی روی یکی از سکوها نشسته و گفتگومی کنند. و پس از اتمام صحبت آن شخص قلعه را ترک می کنند.

در طرف چپ هشتی یک درب وجود دارد که به یک طویله بزرگ ختم می شود. بر روی بام این طویله بالا خانه هایی احداث شده است. این طویله اختصاص به اسب های مهمانان و بالاخانه نیز اختصاص به پذیرایی از مهمانان غریبه دارد. که قرار است یک روز یا چند روز مهمان ساکنین قلعه باشند. در تابستان ها در این مهتابی رخت خواب های مهمانان را پهن کرده و با استفاده از پشه بند برای آنها شرایط خواب راحت را به وجود می آورند. ناحیه هشتی از پشت سر گذاشته وارد محوطه قلعه می شویم..

در محوطه قلعه یک چاه آب، چندین آغل گوسفند و تعدادی طویله که احشام ساکنین قلعه به طور جداگانه در آنها نگهداری می شوند و هم چنین چندین انبار کاه جهت تغذیه احشام در فصل زمستان جلب نظر می کند. و در همان قسمت یک مستراح عمومی و در طرف دیگر زاغه ای (کنده) ملاحظه می کنیم که در زیر زمین حفر شده و در عمق زمین دارای انشعابات فراوانی می باشد و هر بخش آن اختصاص به حیوانات به خصوصی دارد. (مثلاً محلی که به گوسفندان اختصاص دارد سقف آن کوتاه تر است) هر بخشی از زاغبه یکی از ساکنین قلعه اختصاص دارد. در فصل تابستان احشام در طویله ها و آغل هایی که در داخل حیاط قلعه قرار دارند نگهداری می شوند ولی در زمستان به علت سردی هوا احشام را در زاغه ها نگهداری می کردند. یک چاه مشترک بین همه انشعابات زاغه وجود دارد و در هر انشعاب یک سنگاب وجود دارد که آب را از داخل چاه کشیده و داخل مجرای آب را خالی کرده تا به سنگاب ها برود و آنها را پر کند. و حیوانات آب را از این سنگاب ها می آشامند. همچنین در اطراف قلعه دو برج دیده بانی جلب توجه می کند این برج ها با پی سنگی و دیوارهای گلی ساخته شده اند و از سه طبقه تشکیل گردیده اند

در طبقات بالا دور تا دور دیوار برج دریچه هایی جهت دیده بانی و تیراندازی تعبیه شده. آخرین طبقه برج که بالای پشت بام برج است به وسیله دیواری احاطه شده در این دیوار نیز سوراخ هایی جهت دیده بانی و تیراندازی ساخته شده است. در فصول گرم تعدادی از جوانان قلعه در بالای پشت بام می خوابیدند.

مجدداً به داخل محوطه قلعه بر می گردیم. خانه هایی را ملاحظه می کنیم که به طور افقی در کنار هم چسبیده به هم ساخته شده اند. دیوارهای این خانه ها گلی بسیار قطور، پی آنها سنگی و سقف خانه ها با تیر چوبی است. پشت بام این خانه ها مشترک هستند و به تناوب بین خانه ها یک سرسرا وجود دارد. هر خانه تشکیل شده است از یک ایوان که از سطح زمین بیش از یک متر ارتفاع دارد که حیوانات پس از ورود به قلعه قبل از رفتن به طویله نتوانند به داخل ایوان بیایند. هنگامی که از حیاط می خواهیم وارد ایوان شویم باید چند تا پله را طی کنیم پس از اتمام پله ها باید در ورودی ایوان را باز کرده وارد ایوان شویم. در ایوان علاوه بر چند طاقچه که برای قرار دادن وسایل مختلف می باشد یک تنور کف ایوان کار گذاشته شده و یک اجاق (بخاری) در دیوار ایوان ساخته شده و دودکش آن به بالای پشت بام باز می شود. از این تنور برای پختن نان و بعضی از غذاها و از اجاق نیز برای پخت و ز انواع غذاها از اوایل بهار تا اواخر پاییز استفاده می شود. هم چنین یک محوطه ای کوچک ی در داخل ایوان هم سطح با کف ایوان ساخته شده که کیلان نامیده می شود و محل نگهداری مرغ و خروس در شب ها می باشد. این مکان شبانه طیور یک دریچه کوچک (به طوری که طیور به راحتی از آن عبور کنند) که محل ورود و خروج مرغ و خروس می باشد و یک درب کوچک به طرف اتاق نشیمن دارد که صاحبخانه پس از باز کردن آن تخم مرغ ها را هر روز برمی دارد.

بعد از ترک ایوان وارد اتاق نشیمن می شویم در اتاق نشیمن علاوه بر درب ورودی دو پنجره چوبی که از کف اتاق نشیمن حدود یک متر ارتفاع دارد، جهت روشنایی اتاق نشیمن به طرف ایوان باز می شوند. در دیوارهای نشیمن دو ردیف طاقچه وجود دارد که طاقچه های ردیف پایین از نظر طول و عرض بزرگتر از طاقچه های بالا می باشند این طاقچه ها جهت گذاشتن بعضی از وسایل که در اتاق نشیمن مورد استفاده قرار می گیرند تعبیه شده و یا به بعضی از وسایل تزئینی اختصاص دارد. در وسط اتاق نشیمن یک تنور و در داخل یکی از دیوارها یک اجاق (بخاری) قرار دارد که دودکش آن به پشت بام ختم می شود. در زمستان پخت و پز غذا در این اجاق انجام می گیرد هم چنین در فصل زمستان در تنور پخت و پز نان و بعضی از غذاها انجام می گیرد.

هنگامی که در تنور هیزم می سوزانند برای پختن نان یا برپا کردن کرسی دود در اتاق نشیمن جمع می شود این دود به وسیله دریچه ای که در سقف اتاق نشیمن وجود دارد خارج می شود و این دریچه نورگیر نیز می باشد.

کاربرد دیگر این دریچه این بود که در شب اول عید نوروز در این دریچه ها شال اندازی (شال پشمی که زنان آن را می بافتند و مردها آن را به کمر می بستند) می کردند و عیدی دریافت می کردند و عیدی بگیران نیز شناخته نمی شوند. این دریچه در بیشتر خانه های روستایی وجود دارد و هنگامی که جوانان شب عید جهت شال اندازی مراجعه می کردند، معمولاً دختران صاحب خانه عیدی را به شال بسته و شال انداز آن را از دریچه بالا می کشید. این عمل عیدی گیری یک ویژگی دیگری داشت این بود که ممکن بود این جوان دختر صاحبخانه را پسند کرده و برای خواستگاری مراجعه کند.

زیرا دختران شال انداز را نمی دیدند ولی دختر جوان از طریق همین دریچه کاملاً در میدان دید جوان شال انداز قرار می گرفت. (دریچه دود و نور و عشق!) گاهی این دریچه کوچک درب بزرگی می شد برای جشن عروسی دو جوان!

در زمستان ها از تنور اتاق نشیمن علاوه بر پخت و پز غذا و نان، بر روی آن کرسی می گذاشتند و افراد بدین وسیله در زمستان ها از انرژی حرارتی استفاده می کردند. بعد از اتاق نشیمن، اتاق پشتی یا پستو قرار گرفته و به وسیله یک درب این دو اتاق به هم ارتباط می یابند و اتاق پشتی در حقیقت یک انبار بزرگ است که در آن تاپوهای ذخیره ی گندم،ذخیره آرد،ذخیره انواع حبوبات و غیره می باشد . همچنین یک صندوق چوبی در این اتاق پشتی قرار داشت که اختصاص به ذخیره نان داشت. هم چنین کوزه های آب آشامیدنی،کوزه های ماست و پنیر ،کوزه های روغن و کوزه های شیره انگور و خلاصه وسایل دیگری که برای یک زندگی ساده لازم است. هر یک از این مجموعه ها (ایوان،اتاق نشیمن،پستو) متعلق به یک خانواده بوده و در ضمن مسیر ورود هر کدام از این خانه ها جدا بود. لازم به یادآوری است دیوارهای ایوان،اتاق نشیمن و پستو به وسیله کاگل اندود و به وسیله خاک سفید آن را رنگ آمیزی می کردند.

قوانین اداره قلعه و رابطه قلعه نشینان با هم

پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها در اداره قلعه حرف اول را می زنند. ساکنین قلعه به نوبت باید در پذیرایی از میهمانان غریبه مشارکت داشته باشند. در زمستان ها بالای پشت بام های ساختمان های مشترک به کمک کلیه ساکنین باید برف روبی شود. تعدادی از ساکنین قلعه اسلحه گرم دارند و در برابر مهاجمان از قلعه دفاع می کنند(همراه با سایر ساکنین قلعه)، معمولاً کسی جرأت دزدی از قلعه را نداشت چون به طور یقین دستگیر می شد. اگر کسی به زیارت یا مسافرت می رفت و پسر بزرگی نداشت بقیه ساکنین برف روبی و رسیدگی به احشام او را به عهده می گرفتند. اگر یکی از ساختمان های مشترک مانند برج های دیده بانی یا دیوار قلعه و غیره دچار خرابی می شد به وسیله کلیه ساکنین و به شکل تعاونی بازسازی می شد. بیشتر ساکنین قلعه در امور کشاورزی نیز با هم شریک بودند. کلیه جشن ها مانند عروسی ها، انواع رقص ها، مراسم چهارشنبه سوری و انواع بازی ها و کشتی گیری جوانان در حیاط قلعه انجام می گرفت.(حمیدی،۱۳۸۶،۱۱۲)

مکتب روستایی

سوادآموزی در قدیم در نواحی روستایی به وسیله افرادی انجام می شد که به نام ملا معروف بودند و شاگردان او را ملاچه(نه بچه مدرسه) می نامیدند. و مکانی که به شاگردان خواندن و نوشتن آموخته می شد مکتب نام داشت. در این قسمت چگونگی کار مکتب در روستای نهرخلج فریدن را شرح می دهم و در این روستا مکان مکتب ها همان خانه ملاها بود.

قوانین مکتب

هر ملا بیشتر از ۲۰ نفر را تدریس نمی کرد.
از نظر زمانی کلاس درس از اواسط پاییز شروع و تا اواخر اسفند به پایان می رسید. هر شاگردی در هر فاصله زمانی بین اواسط پاییز تا اواسط زمستان مراجعه می کرد مورد پذیرش قرار می گرفت.
کلاس شش روز در هفته دایر بود و جمعه ها تعطیل بود.
پذیرش شاگردان جهت ثبت نام بین ۶ سال تا ۲۰ سال بود.
زمان تشکیل کلاس ۷ صبح تا ۱۱ صبح بود. و ساعت ۱۱ صبح تا یک بعد از ظهر ملا بچه ها به عنوان خوردن ناهار به منزل می رفتند و دوباره ساعت یک بعد از ظهر تا چهار بعد از ظهر در مکتب مشغول آموزش می شدند. و همچنین در این فاصله زمانی شاگردان احشام خود را آب و گاه می دادند.
شاگردان سال اول تا چهارم با هم در یک کلاس بودند.
اگر شاگردی در دو سال اول پیشرفتی در یادگیری دروس نداشت از مکتب اخراج می شد.
بعضی از شاگردان که دختر بودند تا نه سالگی می توانستند به مکتب بروند و از آن به بعد دیگر در مکتب نمی توانستند درس بخوانند. (مگر ملا به خانه آنها می رفت و دختران را درس می داد).
ملا شاگردان شش ساله را کتک نمی زد.
ملا شاگردانی را که خوب درس نمی خواندند با ترکه کتک می زد و یا این که آنها را فلک می کرد و کتک می زد.
شاگردان باید هر روز درس خود را امتحان می دادند.
ملا روزهای شنبه تک تک شاگردان ملاحظه می کرد که آیا حمام رفته اند آیا ناخن های خود را کوتاه کرده اند. اگر غیر این بود آنها را کتک می زد.
ملا هفته ای یک یا چند بار در زمستان ها به شاگردان دم کرده گل گاو زبان یا چای نبات می داد.

قوانین مربوط به ملا بچه ها

- ۱- هر ملا بچه یک تنگ سفالی کوچک پر از آب آشامیدنی را باید همراه خود داشته باشد. (بهداشت فردی)
- ۲- شاگردان باید زیر انداز خود را می آوردند و در تمیر نگهداشتن آن باید کوشا باشند.
- ۳- برای گرم کردن کرسی مکتب در زمستان، ملا بچه ها موظف بودند طبق نوشته مقرر شده هیزم جهت سوزاندن در تنور همراه بیاورند.
- ۴- در زمستان ها که برف می آمد شاگردان باید پشت بام مکتب خانه را برف روبی کنند.
- ۵- شاگردان باید ملا را هر دو هفته یکبار جهت صرف شام به منزل دعوت می کردند و ملا پس از صرف شام در مورد پیشرفت درسی شاگرد به پدر و مادر در حضور ملا بچه توضیح می داد.
- ۶- هر شاگردی برای ۳ ماه تحصیل باید ۷/۵ من گندم (هر من برابر ۶ کیلو) به ملا اجرت می داد.
- ۷- شاگردانی که برای اولین بار به مکتب مراجعه می کردند باید یک کله قند، مقداری شیرینی غیر از حقوق ثابت به ملا می دادند.
- ۸- یک روز قبل از عید نوروز باید کلیه شاگردان برای جناب ملا عیدی ببرند که شامل برنج، روغن و شیرینی بود.
- ۹- شاگردان باید نماز یومیه را بخوانند و بالای پشت بام اذان بدهند.
- ۱۰- شاگردان موظف هستند در طول سال تحصیلی به تناوب شیر و ماست و نان برای ملا ببرند.

۱۱- اگر ملا بچه ای شاگرد ممتاز شناخته می شد باید پدر و مادر ملا بچه هدیه ای به عنوان شیرینی به ملا می دادند.

۱۲- شاگردان وقتی سؤالی از ملا داشتند باید او را جناب ملا یا جناب آخوند خطاب می کردند.

۱۳- اگر شاگردی در درس خواندن خیلی کوشا بود ملا به او جایزه می داد. (قلم و دوات)

وسایلی که ملا بچه باید داشته باشد:

۱- کیف ۲- در اوایل لوح تعلیم ۳- زغال ۴- قلم و دوات ۵- قلم نی و دفترچه

اولین بار که ملا بچه شروع به نوشتن می کند از چوب خشکی که سر آن سوزانده شده و تبدیل به زغال شده بود جهت نوشتن استفاده می کرد. و ملا روی لوح تعلیم سر مشق می داد و او با زغال آن را تمرین می کرد و پس از مدتی با قلم و مرکب روی لوح تعلیم از روی سر مشق تمرین می کرد. و بعداً آن را با آب شستشو می داد و مجدداً تمرین می کرد. (مدادهای امروزی الگو گیری از چوب های سر سوخته مکتب است.)

پس از مدت زمانی که گذشت و نوشتن را ملاحظه یاد می گرفت با قلم ریز و قلم درشت شروع می کرد روی کاغذ تمرین کردن.

دروسی که تعلیم داده می شد عبارت است از:

آموزش الفبا، سوره هایی از قرآن، و سپس قرآن تا آخر خوانده می شد، دعای توسل، کتاب حافظ، گلستان سعدی، مثنوی معنوی و شاهنامه. کتاب هایی که ذکر شد آموزش آنها اجباری است ولی بعد از آن هر کتابی را که ملا بچه دوست داشته باشد بخواند ملا باید به او آموزش بدهد. بعضی از ملا ها ریاضیات را نیز در دروس آموزشی خود گنجانده بودند.

نوشتن نامه، نوشتن انشاء قباله نویسی، چگونگی رد و بدل کردن سند تقسیم نامه آب، تقسیم نامه آب، نوشتن قراردادها آموزش داده می شد.

ملا هر روز مشق های شاگردان را ملاحظه می کرد و یا اگر انشا بود انشا آنها را به دقت مطالعه می کرد. اگر انشا به خوبی به موضوع نپرداخته بود روی ورقه می نوشت باطل است.

نکات مهم مکتب

۱- پدر و مادر شاگرد در ارتباط نزدیک با ملا بودند. ملا معمولاً اهل روستا بود و پدر و مادر شاگرد تمام آبا و اجداد او را می شناختند.

۲- دروسی که به شاگرد تدریس می شد با تمام زندگی او در ارتباط بود.

۳- مسئولیت هایی که در مکتب به شاگرد داده می شد باعث مسئولیت پذیری او می گردید. انجام کارهای تعاونی را در مکتب یاد می گرفت.

۴- بعد از فراگیری دروس اجباری، شاگرد هر کتابی را که دوست داشت، باید ملا به او آموزش می داد و این عمل باعث شکوفا شدن استعدادهای دانش آموز می شد.

۵- انتخاب زمان تحصیل، یعنی اواسط پاییز تا اواخر اسفندماه بهترین زمان بود چون شاگردان در فصول دیگر به خانواده و هم چنین در امور کشاورزی کمک پدر و مادر بود و این باعث می شد که بچه روی پای خود بایستند و از نظر شخصیتی متکی به خود باشد. بین سن ۶ تا ۲۰ سال هر کس می خواست درس بخواند ممانعت به عمل نمی آمد.

اگر دقت شود قباله نویسی، رد و بدل کردن سند، تقسیم نامه آب، تقسیم نامه زمین و سند مالکیت، انواع

قراردادها دست نوشته فارغ التحصیلان مکتب بود که به وسیله ریش سفیدان روستائی مورد تأیید قرار می گرفت و این افراد کارمندان بدون مزد و مواجب بودند و اداره ای نداشته ولی کارهای ثبتی هم وطنان عزیز ما را به طور شایسته ای انجام می دادند. و اگر دقت شود بیشتر کارهای قضاوت نیز به وسیله ریش سفیدان انجام می گرفت و این داوران نیز مکانی مانند اداره نداشته و نامه نگاری و غیره در کار نبود و حکم داور به بهترین وجه اجرا می شد. (حمیدی، ۱۳۸۶، ۱۲۱)

مراسم ازدواج

مراسم ازدواج در نواحی روستائی فریدن معمولاً دو روز طول می کشد. در شب آخر عروسی مهمانان پس از صرف شام، مراسم پول اندازی دارند. چه در مجلس زنانه و چه در مجلس مردانه. زن و مرد مهمان باید مبلغی پول اندازی کنند، به طور مثال اگر پدر خانواده هزار تومان پول اندازی کند، مادر خانواده نصف آن مبلغ را می اندازد. یکی از افراد فامیل داماد چه در مجلس زنانه و چه در مجلس مردانه در یک دفتر اسم و نام خانوادگی پول اندازها را یادداشت کرده و مبلغی را که پرداخته اند در جلوی نام آنها ثبت می کنند که هر وقت زمان ازدواج دختر یا پسر آن خانواده فرا رسید این مبلغ یا بیشتر را در مجالس ازدواج آنها پول اندازی می کنند، پول اندازی باعث تشویق جوانان به عروسی می شد.

مراسم فوت

در مراسم فوت یکی از افراد خانواده در بعضی از روستاهای فریدن خانواده های شرکت کننده در مراسم عزا باید پرسانه برای صاحب عزا بیاورند. و پرسانه عبارت است از برنج، نان، گوشت، قند و چای و غیره و این در حقیقت کمک به خانواده ای است که عزیز خود را از دست داده تا بتواند هزینه خرج مجلس عزاداری را بپردازد و این یک نوع تعاون برای کمک به برپائی این مراسم است. (در قدیم این رسم بوده که در حال حاضر نیست) (حمیدی، ۱۳۸۶، ۱۲۶)

نمایش پرده ای

عبارت است از یک نقاشی که بر روی پارچه ای مخصوص نقاشی شده و صحنه جنگ بین امامان و کفار در آن در معرض دید قرار می‌گرفت. طول و عرض این نقاشی کاملاً استاندارد به طوری که از فاصله ده تا پانزده متری قابل مشاهده بود. در این پرده نقاشی امامان با چهره زیبا و نورانی و کفار با چهره های زشت و خشن جلب توجه می‌کرد که سوار بر اسب بودند و سراسر این پرده، نقاشی صحنه های مختلف جنگ را نشان میداد. و نقاشی این پرده شبیه مراسم یک تعزیه بود. گاهی اوقات کلیه، مراسم روز عاشورا در این پرده نقاشی در معرض دید قرار می‌گرفت. پرده خوان، این نقاشی پرده ای را در یک میدانگاه به دیوار آویزان می‌کرد. روی این پرده نقاشی را، پرده نازک دیگری می پوشاند. پس از جمع شدن مردم جهت تماشای پرده نقاشی، پرده خوان با دعا و صلوات پارچه نازک را به تدریج از روی صحنه های مختلف کنار میکشید تا تصاویر یک صحنه ظاهر شود و آن صحنه را به تماشاگران نشان داده و درست شبیه، شبیه خوانان صحنه جنگ کافران و امامان را با نوحه سرایی توضیح میداد و همینطور به تدریج پرده را عقب کشیده و صحنه های مختلف این نقاشی را شرح میداد. و تماشاگران با دیدن این صحنه ها شروع به گریه و زاری می‌کردند. پرده خوانها جهت جلب توجه تماشاگران از حرکت دست ها و تغییر در عضلات چهره (حالت شادی و یا حالت حزن) تغییر در تن صدا، خواندن اشعار مذهبی با آواز خوش و نوحه خوانی استفاده می‌کردند. بعضی از پرده خوانها شاگردی داشتند که او را بچه مرشد صدا می‌کردند و هنگام پرده خوانی او مورد سوال و جواب قرار می‌گرفت (دو نفر نمایشگر) و این عمل باعث میشد که این نمایش از حالت یکنواختی خارج شود. در اواسط تصویر مانند تعزیه خوان ها پرده خوان از تماشاگران طلب می‌کرد. تعدادی از تماشاگران بخاطر برپایی این مراسم به او مقداری پول و غیره هدیه میدادند و تعدادی هم هیچگونه وجهی نمیدادند فقط تماشاگر بودند. (حمیدی، ۱۳۸۶، ۱۳۴)

قصه گوها: (داستان سرایان)

در فصل زمستان که شب ها طولانی و بلند بود و کارهای کشاورزی تعطیل بود خانواده های روستائی بیشتر از قصه گوها جهت داستان سرائی از آنها دعوت به عمل می آوردند. و پس از صرف شام، قصه گوها شروع به گفتن داستان ها و حکایات مختلف می‌کردند بعضی از قصه گوها داستان هایی از شاهنامه فردوسی انتخاب می‌کردند مانند داستان جنگ رستم و سهراب و داستان بیژن و منیژه، و داستان های دیگر مانند شیرین و فرهاد، داستان امیرارسلان نامدار و غیره را نقل می‌کردند و به وسیله قصه های مختلف زندگی و هویت نیاکان را زنده نگه میداشتند. (حمیدی، ۱۳۸۶، ۱۳۵)

کاربرد چوب خط در قصابی

چوب خط از چوبی به طول نیم متر و قطر حدود دو و نیم تا سه سانتی متر ساخته می شود. و قسمتی از یک سر چوب به وسیله چاقو تراش داده می شود و نام صاحب چوب خط بر روی آن نوشته می شود تا با چوب خط سایر مشتریان اشتباه نشود، یکی از افراد خانواده جهت خرید گوشت چوب خط را به قصابی برده و گوشت خریداری می کرد.

خرید گوشت خانواده معمولاً مقدار ثابتی بود. مثلاً نیم کیلو و یک خانواده ممکن بود یک کیلو گوشت در روز لازم داشته باشند. قصاب بوسیله چاقو روزهایی که مشتریان گوشت خریداری می کردند روی چوب خط علامت گذاری می کرد. فواید این چوب خط ها این بود که هیچگونه وجهی رد و بدل نمی شد. ثانیاً بیشتر روستائیان سواد نداشتند و نمی توانستند روزانه آنها را یادداشت کنند و ثالثاً به جای پول، چوب خط را روزانه و یا هر چند روز یکبار به قصابی می بردند. و قصاب معمولاً هر ماه یکبار به در خانه چوب خط داران مراجعه می کرد و می گفت چوب خط را صاحب خانه می آورد و مقدار وزن گوشت را روی چوب خط حساب کرده و بابت آن گندم یا سایر محصولات کشاورزی و یا به ندرت پول دریافت می کرد. (حمیدی، ۱۳۸۶، ۱۴۴)

علت نامگذاری کوه یالانچی

یالانچی یک لغت ترکی است به معنی دروغگو، و وجه تسمیه آن به خاطر این است که در این کوه در اوایل بهار چندین چشمه پر آب جاری می شود و در اوائل خرداد ماه ناگهان چشمه ها خشک می شوند و کشاورزان جوان و کم تجربه به امید اینکه امسال چشمه ها خشک نخواهند شد در زمین های زیر چشمه ها انواع بذر کشت می کنند و به علت خشک شدن ناگهانی چشمه ها محصولات خود را از دست می دهند و چون کوه یالانچی کشاورزان را گول می زند این لقب به آن داده شده است. (حمیدی، ۱۳۸۶، ۴۴)



گل واژگون در ارتفاعات فریدن

ریواس در ارتفاعات فریدن



([http://nahrkhalaj.blogfa.com/post13/3/1394"11:44/](http://nahrkhalaj.blogfa.com/post13/3/1394))



پروفسور فریدنی یکی از نوابغ پزشکی دنیا

دکتر فرهاد شکوهی یکی از نوابغ پزشکی دنیا، متولد شهرستان فریدن (روستای نهرخلج) می باشد که مدرس تروما(صدمات مغزی و ضایعات نخایی) و مدرس احیای پیشرفته قلب از دانشگاه های آمریکا می باشد.

به گزارش پایگاه تحلیلی خبری فریدن، دکتر فرهاد شکوهی یکی از نوابغ پزشکی دنیا، متولد شهرستان فریدن می باشد که مدرس تروما(صدمات مغزی و ضایعات نخایی) و مدرس احیای پیشرفته قلب از دانشگاه های آمریکا می باشد.

ایشان دستیار راندس باتیستا مشهور ترین جراح قلب دنیا می باشد از جمله افتخارات وی می توان به گوشه ای از آنها مانند پژوهشگر برتر دانشگاه پکن سال ۲۰۱۱، پژوهشگر برتر وزارت بهداشت چین سال ۲۰۱۱، مدرس نمونه انجمن قلب اروپا ۲۰۱۳، و ده ها تقدیر نامه و جوایز دیگر از دانشگاه های یونان، چین، آمریکا، هنگ کنگ است.

(13/3/1394"12:15 <http://fereydanna.ir>)

شهدای روستا



گلستان شهدا

نام: علی ضامن

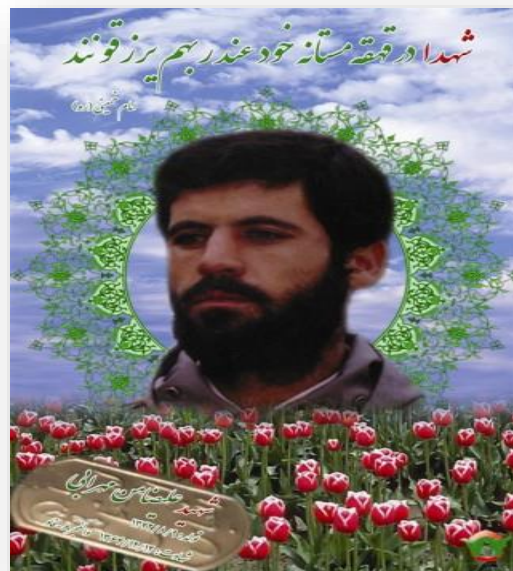
نام خانوادگی: مهربانی

نام پدر: حمیدر

متولد: ۱۳۴۲ / ۰۸ / ۰۹

واحد اعزام: سپاه پاسداران

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۴ منطقه فاو (عملیات والفجر ۸)



نام: محرم

نام خانوادگی: مهرانی

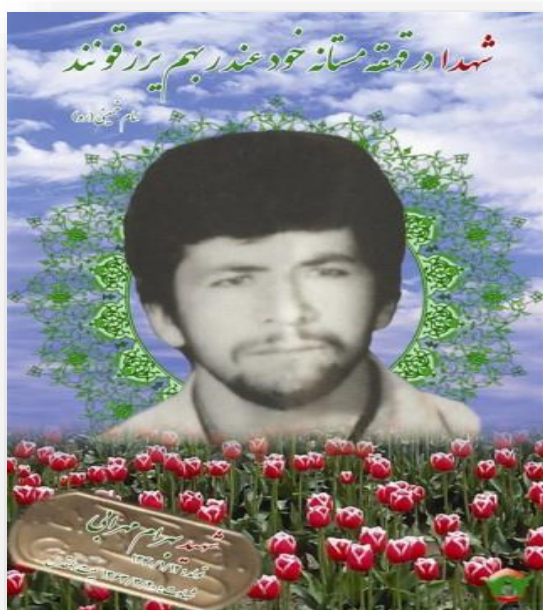
نام پدر: میرزا علی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰ / ۰۶ / ۱۲

تاریخ اعزام به جبهه: ۱۳۶۲

وضع اعزام کننده: ارتش جمهوری اسلامی ایران

تاریخ و محل شهادت: ۶۳ / ۰۳ / ۲۳ قصر شیبین



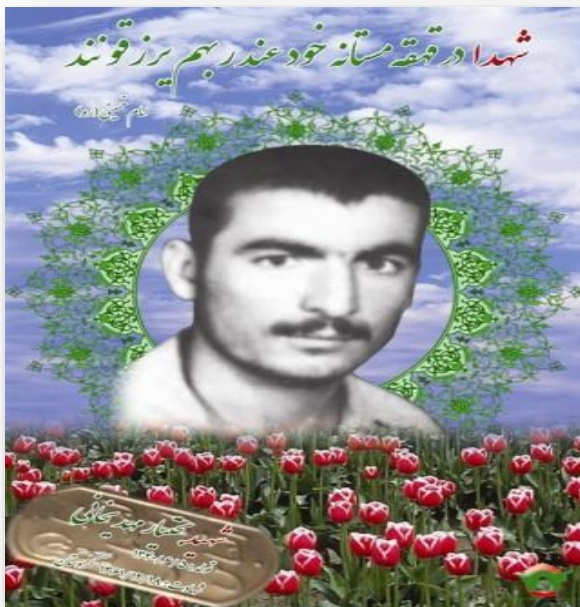
نام: بختیار مهستانی

نام پدر: علی

تولد: ۱۳۴۰/۰۶/۰۵

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۱/۱۲/۱۸ غرب کشور (مریوان)

والدین: حاج محمد و حاجه



نام: داود جمشیدپور

نام پدر: علی حسین

تولد: ۱۳۵۲ / ۰۶ / ۲۰

تاریخ شهادت: ۱۳۸۲ / ۰۶ / ۰۴

محل خدمت: نیروی انتظامی

محل شهادت: پلیس راه نائین - یزو



نام: غلامرضا زرعی

نام پدر: محمد

تاریخ تولد: ۱۳۳۶ / ۰۴ / ۰۹

تاریخ شهادت: ۱۳۸۵ / ۰۲ / ۰۹



نام: نوروز

نام خانوادگی: حسینی

نام پدر: قاسم

تاریخ تولد: ۱۳۴۵ / ۰۲ / ۲۶

واحد اعزام کننده: ارتش جمهوری اسلامی ایران

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۱ / ۰۵ / ۱۸ شهرستان نفت شهر



نام: محبت الله

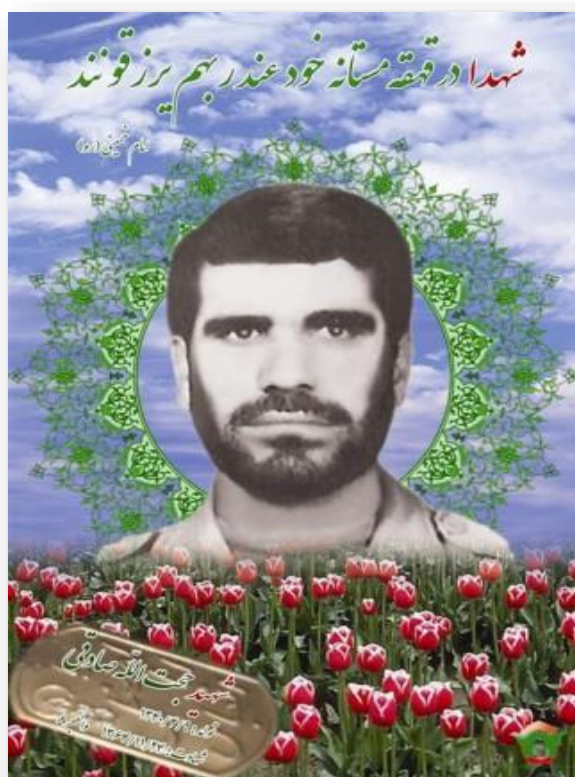
نام خانوادگی: صاوقی

نام پدر: حاج ولی الله

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

وحد و عزیمت کننده: شبکه، بهمدشت و ورممان

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۴ فاو (عملیات و الفجر ۸)



نام: کریم فاضلی

نام پدر: حسینعلی

تولد: ۱۳۶۷/۰۵/۰۴

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۱۱ عملیات خیبر - طلایه

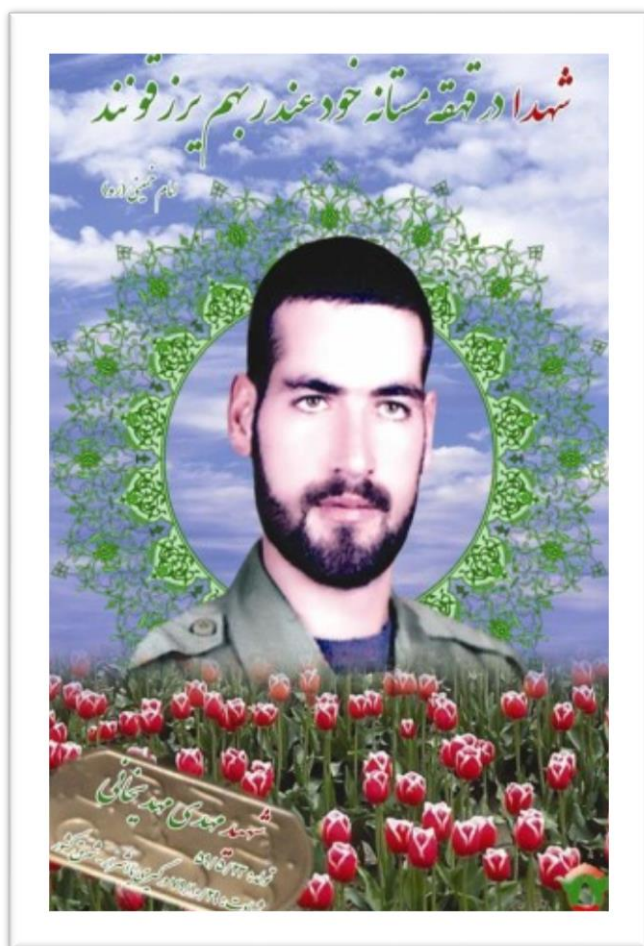


نام و نام خانوادگی: مهدی مهدیحانی

تاریخ تولد: ۱۳۵۹ / ۰۵ / ۲۲

واحد خدمت: سپاه

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۷۹ / ۱۰ / ۲۹ شرق کشور



نام: سیند محمد موسوی

نام پدر: سیند نورالله

تولد: ۱۳۴۰

وحد و عزوم کننده: سپاه و صفهان

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۱ / ۰۸ / ۲۶ عملیات محرم شرعی



نام و نام خانوادگی: رضا فاضلی

نام پدر: مولو قلی

تولد: ۱۳۴۸/۰۷/۱۰

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۳/۰۶/۰۸ سومار

دعوت و احترام کننده: ارتش جمهوری اسلامی ایران



نام: داوود

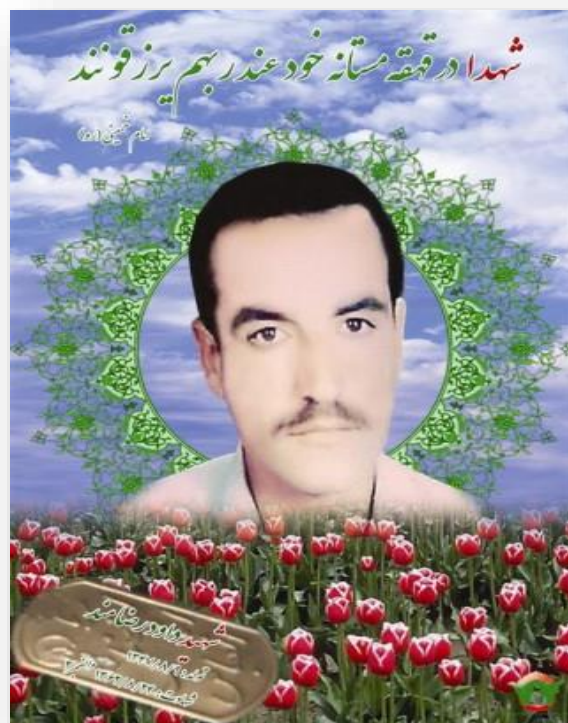
نام خانوادگی: رضامند

نام پدر: محمد قلی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷

دوره اعزام کننده: بسیج سپاه فردین

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۲ عملیات والفجر ۳



نام: سلطانمرد

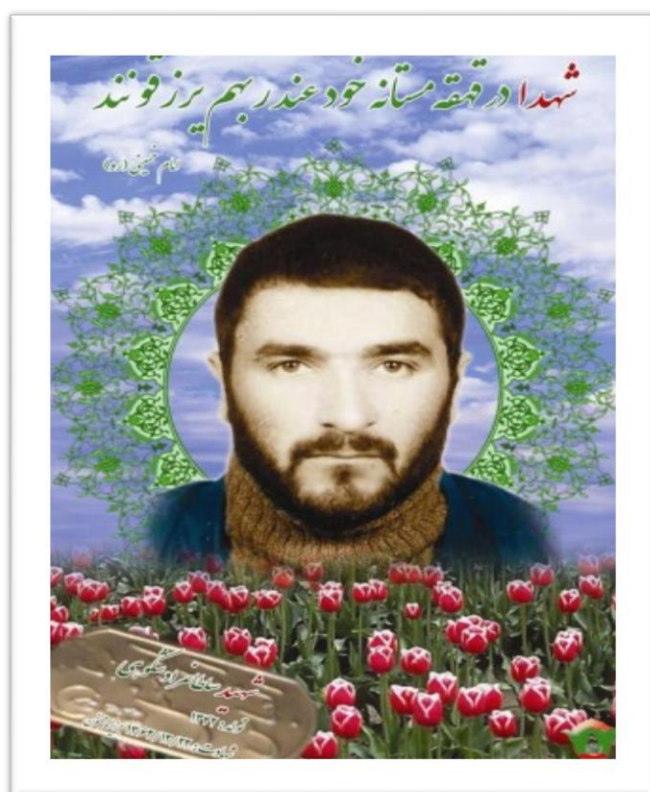
نام خانوادگی: شکوهی

نام پدر: سماج خان محمد

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

وحدت و عزیمت کننده: بسیج و دانشگاه تهران

حضور در مناطق: کردستان، جنوب، جزیره مجنون



نام: محمد زارعی

تولد: روز سوم ماه محرم الحرام سال ۱۳۳۳

نحوه ی شهادت

شهید محمد برای آخرین بار در عملیات طریق القدس (بستان) که منجر به آزاد سازی بیش از ۷۰ روستا شد، شرکت نمود و در این عملیات که سمت فرماندهی یکی از محورهای عملیاتی طریق القدس و نماینده عالی دفاع در جنوب کشور را به عهده داشت، دعوت حق را بیک گفت و به شهادت رسید. پیکر پاک این شهید در گلزار شهدای اصفهان و در کنار مزار دیگر همزمانش به خاک سپرده شد.



نام: شهرام رضانی

نام پدر: غلامرضا

تولد: ۱۳۵۷ / ۰۶ / ۲۲

محل خدمت: نیروی انتظامی

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۸۸ / ۰۸ / ۲۵ پلیس راه فردین



(/http://ershadgar20.mihanblog.com13/3/1394"12:05)

تشیع پیکر پاک شهید شهرام رضائی





طبیعت روستا



طبیعت روستا



طبیعت روستا



باغ انگور در روستا

(<http://nahrkhalaj.blogfa.com/post/13/3/1394>"11:44)



منابع

- ۱- هفت دانگی، دکتر هوشنگ حمیدی، چاپ اول، نشر روان سنجی، تهران، ۱۳۸۶
- ۲- وصال سرخ، یادنامه شهدای دهستان نهرخلج، تهیه و تنظیم ستاد برگزاری یادواره شهدای دهستان نهرخلج، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، تابستان ۱۳۹۰
- ۳- <http://fereydanna.ir13/3/1394>"12:15
- ۴- <http://nahrkhalaj.blogfa.com/post13/3/1394>"11:44
- ۵- <http://ershadgar20.mihanblog.com13/3/1394>"12:05 ابراهیم قربانی نهرخلجی

